

وضع رقتبار معارف در درواز

پول هنگفت آمد ولی برای مردم چیزی نرسید

هرکه با ناراستان همسنگ شد در کمی افتاد و عقلش دنگ شد (مولوی)

هم میهنان گرامی و فرهیخته گان بزرگوار ! شما خود قضاوت بدارید که طی یازده سال گذشته به چه پیمانہ پول و کمک های جامعه جهانی برای باز سازی و نو سازی و اشتغال زایی و تأمین شهروندان افغانستان و جامعه ویران شده و عقب نگه داشته ما سرازیر شد ؛ اما نتیجه و یا فرآورد این کمکها با تاسف برای مردم و شهروندان این سرزمین هیچ احساس نمیشود و فقط احساس این کمکها در عرصه گسترش فساد و حیف و میل حاکمان بی احساس و ایمان سوخته و رواج جنایت بارترین جنایات انتحاری و بی جان سازی شخصیتهای مبارز و ترور و دهشت افگنی ، در دیدگاه مردم بیشتر تجسم گردیده است و بس ! آنهاى که دم از عدالت و مردم دوستی میزنند و خود شریک این بی عدالتی اند ، بدانند که نام و موقفشان در نزد مردم و تاریخ راستین حال و آینده با واژه های شرم آوری نوشته خواهد شد؛ نه زر باقی خواهد ماند و نه آنهاى که از پی بدست آوردن زر ، حیثیت خویش را با تیره اندیشی و جدان خراش بدنام ساخته اند، تا ابد پاینده خواهند بود؛ فقط نام نیک و مهربانی و خدمت به مردم است که در یادها و دل تاریخ باقی خواهد ماند.

من در این نبشته روی یک موضوع اشاره میدارم که بیانگر گوشه ای از بی عدالتی و حق تلفی زمامداران امروزی و بی تفاوتی نمایندگان مردم بدخشان و درواز و تبهکاری وزارت آموزش و پرورش را به وضاحت نشان میدهد که مستند خدمت شما اهل قلم از طریق تارگاہ های اجتماعی پیشکش میدارم :

ذره ای زان آفتاب آرد پیام آفتاب آن ذره را گردد غلام (مولوی)

در سرتاسر افغانستان شاید هزاران دبیرستان و دبستان و یا مکتبهای گوناگون باز سازی و یا نوسازی شده باشد، اما در بدخشان و سایر مناطق شمال کشور، به ویژه درواز بدخشان تا هنوز یک دبستان و یا دبیرستانی را مردم شاهد نیستند که از سوی این حاکمان فساد پیشه باز سازی شده باشند و فرزندان پای برهنه درواز حد اقل یک لحظه ی بداخل صنف بدون چکک با خاطر آرام درس خوانده باشند و بالای چوکی و میزیکه احساس دانش آموزی کند ، نشسته باشند ، جز خیمه پینه شده و یا روی زمین سرد و سنگ سرد تراز زمین و گرمتر از حد تصور، بدون کتاب لازم و معلمین مسلکی ، عمر و زمان زندگیشان را سپری کرده اند. در جای که همه مکتب میخواهند ، زمامداران فاسد و بی احساس و متعصب هیچ توجه نکرده و در جای که مکتب را مانند چوب خشک میسوزانند ، اعمار مکاتب با مصرف ملیونها پول آمده از بیرون صورت میگیرد و باز سوختانده میشود و وزیر فاسد و ایدیولوژی زده تاریخ اندیش ، میگوید که صد بار اگر سوختانده شود ، صدویک بار بازسازی میگردد؛ ولی فرزندان دایکندی ، بامیان ، قندوز ، میمنه ، سمنگان ، تالقان و بدخشان در زیر خیمه و یا بالای زمین سرد با سختی های طاقت فرسای درس میخوانند. نماینده های این ولایات در شورای ملی با تاسف صدایشان بلند نشده است و تا هنوز هیچکس شاهد نیست که یگان عکس العملی از سوی نمایندگان در برابر این بی عدالتی ها صورت گرفته باشد. و یا از حقوق مردم در این زمینه دفاع شده باشد و این کمبود بودجه را در مجلس مطرح فرموده باشند و دلایل قانع کننده برای مردم پیشکش کرده باشند؛ نا متوازن بودن بودجه و سکوت نمایندگان این ولایات چه را میسراند؟ این فاسدین را نگاه بدارید که جنایت و خیانت ملی را علنی و بدون خجالت و شرمساری با دیده درایی مرتکب میشوند و از استخبارات خارجی پول پنهانی اخذ میدارند و نه مقدار معلوم است و نه جای که این پولها مصرف شده اند و نه دلیل

گرفتن پول ، باز هم نماینده ها چپ هستند و از این خیانتکاران آشکار ملی حتی پرسیان نمیشود؛ آیا با چنین شیوه میتوان این سرزمین را ساخت و آبادش کرد؟ کتمان خیانت ملی و چشم پوشی از آن خود میرساند که بسیاریها در این پولها شریک هستند و زبانیشان را بسته اند تا چیزی بگویند به رویشان خواهند کشید. وای بر ملتی که رهبرش دستور پذیر بیگانه باشد و از این دستور پذیری مزدهم بدست آرد ! خیانت ملی بیشتر از این در جهان هم وجود دارد که از استخبارات خارجی ، پنهان در خریطه های مخصوص پول نقد گرفته شود و آن هم از انظار مردم و قوه های سه گانه پنهان قرار داده شود تا اینکه کشورهای پول دهنده خود اشاره کنند که رهبری این سرزمین که لاف از دینداری و مسلمانی میزند و گاهی از استقلال دروغین سخن میگوید، چگونه مزد بگیر سازمانهای استخباراتی شده است؟ ولی نماینده گان مردم این خیانت ملی را تا امروز نادیده گرفته اند و زبانیشان لال گردیده است که در شورای ملی بحث خیانت ملی و تعریف خیانت ملی و فروش بخش از خاک این سرزمین را در بدل حمایه از چند فاسد ، به میان بگذارند تا مردم بیشتر آگاه شوند و خاینین را خوبتر بشناسند و دشمنان فرهنگ و رشد این سرزمین را واضحتر بدانند؛ امیدواری اینست که نماینده گان راستین اگر در کفششان ریگی نیست و در این پولها و فروش بخش از خاک این سرزمین شریک نیستند، آوازشان را بلند کنند و از کشورهای پول دهنده معلومات نمایند که بخاطر که و برای چه این پولها را پنهان و دور از نظر مردم تادیه کرده اند؟

چوتو خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک اختری را (ناصر خسرو)

اگر نماینده های محترم بدخشان در این باره توجه فرمایند و درد مردم و اولویت های نخستین مردم بدخشان را مد نظر بگیرند و دستگاه حاکمیت فاسد را فشار دهند و صدای مردم را بگوش رسانه ها برسانند، شاید کارهای صورت گیرد ، وگرنه روزگار مردم بدتر از بد خواهد شد و فرزندان بدخشان در آینده های نزدیک شاید پسمانده ترینهای کانکور و دانشگاه های این سرزمین خواهند بود. مطلبم را کوتاه ساخته با نمایش چندین قطعه فوتو ویا نگاره از حال و احوال فرزندان و دبستانها و دبیرستانهای درواز به نمایندگی از سر تاسر دروازه ها گوشه ای را خدمت شما پیشکش میدارم تا خود قضاوت فرمایید که این حاکمان بی باور به دانش و مردم سالاری با چه قساوت در برابر این مردم عدالت را زیر پای کرده اند و درواز را جز این سرزمین به حساب نیاورده ، ذره ای در بازسازی و نو سازی مکتبها و پل و سرکها حصه نگرفته اند و اگر کمی کار صورت گرفته است ، آن از سوی سازمانهای جدا از دولت جمهوری اسلامی افغانستان که مایه بدنای این نام نیک است ، بوده است. این هم شما و اسنادی که خود سخن میگویند.

میرزایی













































